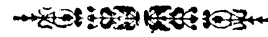


UNIVERSAL
LIBRARY

OU_228578

UNIVERSAL
LIBRARY

ترجمه فارسي



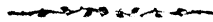
كتاب الحقوق

Checked 1969.

ملقطا من احياء العلوم

للامام حجة الاسلام ابو حامد محمد الغزالي

رحمة الله عليه



مطبعة انستيبيوت پريس عايكده

سنة ١٩٠٨ ع

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بعد حمد و ثناء خدائمه تعالی و درود سلام بر نبی مجتبی مصدق
مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم •

کتاب الحقوق

بدان که انسان با آنها بسر خواهد بود - یا با دیگر کسی - و چون
زندگی انسان بهر اینکه با افعال جنس خویش معاشرت دارن متعذر است
ضرورتاً که آداب و آئین معاشرت را بیاموزد - هر آنکه با او صحبت داشته
آید صحبت او را ادب است - و این ادب با اندازه حق است و حق او
بقدر آن تعلق است که این معاشرت و صحبت را سبب گشته - و رابطه یا
طبعی خواهد بود چنانکه قرابت است و این خاص ترین رابطه ها است -
و چنانکه برادری اسلام است و این از آنها عام تر است - و اگر طبعی نیست
پس یا همسایگی خواهد بود - یا صحبت و ملاقات - چنانکه در سفر
و مکتب - و درس اتفاق افتد - یا دوستی خواهد بود و این تا مرتبه
برادری ترقی میزند - و هر یک از این رابطه ها را درجه استند - که
می تواند دانست آنرا انسان - اگر در خویش و دران - رابطه ها غور کند
که معاشرت و صحبت را باعث گشته اند •

حقوق المسلم

از جمله حقوق مسلم آنست که دوست داری برای مسلمانان آنچه
برای خویش دوست داری و نه پسندی برای ایشان آنچه برای خویش
نه پسندی - نعمان بن بشیر گفته که من از رسول خدا صلی الله علیه و سلم
شنیدم - فرمود که مثال مومنان در صحبت داشتن باهم - در رحم کردن
یکی بر دیگری - مثال بدن است که چون عصبه از او آزار یابد درد دیگر
تمام اعضا حرارت و بیحرابی پدید آرد - و ابو موسی از آن جناب صلی الله

عالمه و سلام روایت کرده که فرمود مومن بوائے مومن چون غمناک است که حصه از حصه دیگر را استواری می بخشد •

و از جمله حقوق آن است که کسی را از مسلمانان بگفتار یا بکردار آزار ندهد - مردمی گفت اے رسول خدا اسلام چیست - فرمود اینکه دل تو نیاز دارد بخدا - و مسلمانان از زبان و دست تو آئین باشند - و از جمله حقوق آنست که بهش هر مسلمان فروتنی کند و پرو برتویی نکورد زیرا که خدا بنواز خرامنده و فخر کننده را دوست ندارد - فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - خدا بمن وحی فرستاده است که شما فروتنی کلهد تا آنکه کسی فخر نیارد کرد بر کسی •

و از جمله حقوق آنکه - بد گوئی یکی برد دیگری نشود - و سفینه که از یکی بشود بد دیگری نرساند فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - غماز در جنت داخل نخواهد شد - و خلیل بن احمد گفته که هر آن کس که بهش تو غمازی خواهد کرد از تو هم غمازی خواهد بود - و آنکه خیر دیگری بهش تو خواهد رساند خیر تو هم پیش دیگری خواهد بود •

و از جمله حقوق آنکه - چون هر کسی که از تو تعارف دارد بخدمت آید زیاده از سه روز جدائی نکورد - ابو ایوب انصاری گفت - فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - حلال نیست مسلمان را که بهش از سه روز با بواحد خویزش (بواحدی اسلام مواد است) ترک تعلق کرده باشد که چون هر دو وقتے بخورند این از رو گرداند و او ازین - و ازین هر دو آن را فقهت است که خود آغاز بسلام آمد •

و از جمله حقوق آنکه - نهی کند باهر کسبکه تواند کرد - آن مقدار که در قدرت او باشد - فزق نمند در عزیزو بهکانه - و علی بن الحسن از پدر خود و ارباب خود رضی الله عنهم روایت کرده که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - سودانش بعد از دین محبت داشتن است بامردمان - و نهی کردن است بهر نهگ و بد - ابو هریره گفته - که رسول خدا را عادت آن بود که چون کسی دست آنجناب میگرفت (بطور ماصفحه) تا آنکه خود آن شخص نگذارند - آنجناب دست از دست او بر نگرفته - و زانوی آنجناب زانوی آنجناب از زانوی همگشون پوش

برآمده دیده نشده - و کسی نبود که بآن جناب سخن گفتن خواهد
مهر آنکه آنجناب روی بار کردی - و باز از رو نکرده انیدے تا آنکه او از سخن
فارغ نشده - و از جمله حقیق آن است - که هر کسی بپادن او داخل
نشود بلکه باید که سه بار اجازت طابید و اگر او اجازت نداد باز گردد *

و از آنجمله آنکه - با هر کسی بخلق پسندیده پهنش آید - و به
روش او با او کار کند - زیرا که اگر خواست که با جاهل بطریق اهل علم
ملاقات کند - و با ناخوانده محض بطرف فقهه - و با کردن محض بطریق
فصاحت - او را تکلف دهد و خود هم در مشقت افتد *

و از آن جمله آنکه - بزرگان را تعظیم کند - و با کودکان مهربانی نماید -
چاپر گفته که فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - از ما نیست آنکه بزرگان
را عزت نکرد - و برخورداران رحم نیارد - رسول خدا صلی الله علیه وسلم
چون از سفر تشریف آوردے - کودکان به آنجناب می پیوستند - پس
برایشان می ایستادے - و می فرمود پس سوار کرده می شدند پهنش
آن حضرت و در پس پشت آن حضرت و اصحاب خویش را حکم می فرمود
که ازیشان بعضی را باخود سوار کنید - و کودکان بعد ازین باخود ها
مفاخرت کردندے - یکی ازیشان با دیگرے میگفت که رسول خدا صلی الله
علیه وسلم مرا در پیش خود نشانده بود و ترا بر پس پشت - و یکی از آنها
میگفت که اصحاب خویش امر فرمود که ترا باخود ها سوار کنند *

و از آن جمله آن که - با جمله مردمان خوش مزاج - خلده رو -
دوست باشد - فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - می دانهد که
دروخ بر کدام کس حرام کرده شده است - گفتند خدا و پیغمبر او دانا
تواند - فرمود - بر نرم دل - بے تکلف سهل گذار *

و از آن جمله این که - وعده نکند بامسلمانے مگر آنکه آنرا وفا کند -
فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم بعض وعده عطا است و بعضی وعده
فرض است *

و از آن جمله آنکه - ترفه و آنکس زیاده کند که صورت و لباس او بر
بلندی پایة او شهادت دهد - و می باید که مردمان را بر رتبه هائے ایشان
دارد - روایت کرده اند از آن جناب صلی الله علیه وسلم - که در خانه از

خانهای خود شریف ارزانی داشت - پس دوستان و یاران آن جناب در آمدند - و جریر بن عبدالله الهجلی رسد - و چون جای نهافت بر دروازه به نشست پس رسول خدا صلی الله علیه وسلم - چادر خود بپوشید و سوره او انداخت - و او را فرمود که بروی به نشهن جریر چادر را گرفت و بر چهره خود نهاد و او را بوسیدن گرفت و گریه نمود - باز به بپوشید او را - و بسوره نبی صلی الله علیه وسلم بپنداخت - و عرض داشت که آن نه تم که بر جامه تو به نشهنم - خدا او را بزرگ دارد - چنانچه مرا بزرگی دادی - پس رسول خدا صلی الله علیه وسلم چپ و راست نظر کرد - و فرمود که چون نزد شما بزرگ قوهی دارید - او را اعزاز کنهه - و هم چلهن هر آن که برو کسی † را حق است باده که او را بزرگ دارد •

و ازین جمله آن که - در همان مسلمان اصلاح و آشتی یهودا کند تا بمقدور خویش - فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - آیا نه خبر دههه شما را به چیزه که از نماز روزه و خهرات پایه او بهش است گفتند آره - فرمود اصلاح زنجش و کدورت که ما بهن کسی باشد - و فساد مایهن - همان برباد کفده است - و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - بهترین صدقه ها اصلاح زنجش و کدورت است مایهن خودها - و از جمله حقوق آن که - عهه جمله مسلمانان فرو پوشد فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - آن که بر مسلمانی یرده پوشهه - خدا برو در دنیا و آخرت یرده بیوشد - نهی صلی الله علیه وسلم با معاویه فرود که تو اگر در عهه جوئی مسلمانان خواهی آفتاد - ایشان را خراب خواهی کرد - یا فریب خواهد بود که ایشان را خراب کنی - و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - اے آن کسانهه بزبان خویش ایمان آورده اید و ایمان در دل شان فرو نهادهه - مردمان را عهه میکنند و در جستجویه عهوب ایشان میباشد زیرا که هر آنکس که عهه بوادر مسلم خود خواهد جست - خدا در پی جستن عهه او خواهد بود و آنکه خدا جستجویه عهه او خواهد کرد - او را رسوا خواهند گردانهد - اگرچه در میان خانه خودش بوده •

• باشد

و از آنجمله آنکه - با هر مسلمان آغاز بسلام کند - پیش از گفتگو -
 و وقت سلام با او مصافحه کند - نبی صلی الله علیه وسلم فرمود -
 آنکه پیش از سلام بگفتگو آغاز کرد - پس جواب او ندهید - تا آنکه بسلام
 ابتدا کند - و فرمود علیه السلام - سوار بر پیاده رونده سلام کند - و
 رونده برنشسته - و قلیل بر کثیر - و خود بر بزرگ *

و از آن جمله آن که آبروی برادر مسلم خوهرش نگاه دارد - و نفس و
 مال او را از ظلم غور او حفاظت کند تا آن که بتواند - و از او باز دارد
 و جدال کند از طرف او - و اعانت کند او را - زیرا که این همه بر او واجب
 است از روی برادری اسلام *

و از انس رضی الله عنه روایت است که نبی صلی الله علیه وسلم
 فرمود که آنکه پیش از آنکه برادر مسلمانی کرده آید - و او بر اعانت او
 قدرت داشته باشد و نکند - خدا در عوض این در دنیا و آخرت او را مواخذه
 خواهد کرد - و از آن جمله جواب دادن است عطسه زنده را - فرمود
 علیه السلام که عطسه زنده گریه - الحمد لله علی کل حال (یعنی در
 هر حال خدا را ستایش است) و جواب دهنده گوید - یرحمکم الله - (یعنی
 خدا بر شما رحم کند) باز عطسه زنده جواب دهد و گوید - بهدیکم الله
 و یصلح بالکم (یعنی هدایت کند خدا شما را و دل شما بمصلاح آرد و از آن
 جمله آن که - از صحبت و اختلاط داشتن با دولت‌مندان کفار و رزد -
 و با مسکینان بپا هزد - و با یتیمان نهی کند - نبی صلی الله علیه وسلم
 را معمول بود که فرموده - ای خدا مرا زندگی ده در مسکینی و مرگ
 ده در مسکینی - و در جمله مسکینان مرا محشور کن *

و از آن جمله بقدر دادن است هر مسلمان را و کوشش کردن در خوش
 دل گشتن او - فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - مومن برای
 مومنان همان چیز دوست دارد که برای نفس خویش دوست دارد -
 و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم از شما یک مومن نبی شود تا آن که
 دوست ندارد برای برادر خویش آنچه پسندد برای نفس خویش *

و از آن جمله آن که بهمار مسلمانان را عیادت کند - زیرا که شناسائی و
 اسلام پس هستند در ثابت کردن این حق - و در یافتن فضیلت او -

و عیادت کنندۀ را ادب این است که اندک به نشیمن و سوال کم کند - و اظهار غمخوارگی کند - و بسلامتی او دعا کند - و از جاهای نهانی چشم بپوشد - و ادب او در وقت اذن طلب کردن آنست که مقابل دروازه نماید و در را به آهستگی بکشد و چو پیوسته شود که کسبستی نگردد مگر بلکه نام خود بگوید و اگر ضرورت آواز دادن باشد نگردد آه غلام - البته باید که خدارا حمد و تسبیح گوید - و فرمود صلی الله علیه و سلم - عیادت مریض آنست که بر پوشانی یا دست از دست نهد و از وی پرسد که چگونه است - و کمال تحیات شما مضافه کردن است *

و از آن جمله آن است که - همراه جنازه شان رود - فرمود صلی الله علیه و سلم - آنکه عقب جنازه کسی رفت او را یک قیراط ثواب است و اگر ایستاد تا آنکه دفن کرده شد دو قیراط - و ادب همراه رفتن جنازه لازم گرفتن خشوع است و غلام نکردن - و مرگ را خمال بسن - و اندیشه کردن در مرگ و مهمل بودن بهر او *

حقوق الجوار

بدانکه همسایگی را حقی است علاوه آن حق که اخوت اسلام تقاضا می کند - پس مسلمان همسایه جمله آن حقوق را مستحق است که هر مسلمان مستحق اوست - و چه زود ازین زیاده را هم مستحق است - زیرا که نبی صلی الله علیه و سلم فرموده همسایگان سه نوع اند - همسایه است که او را همسایه یک حق است - و همسایه که او را دو حق است - و همسایه که او را سه حق است - مسلمان همسایه صاحب قرابت است - پس او را حق همسایگی و حق اسلام و حق قرابت است و آنکه او را دو حق است مسلمان همسایه است که او را حق همسایگی و حق اسلام است - و آنکه او را تنها یک حق است همسایه مشرک است - پس بنگر که رسول خدا صلی الله علیه و سلم مشرک را هم بسبب همسایگی حقی ثابت فرمود - و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم نیکو دار همسایگی آن را که با تو همسایه است تا مسلم باشی - و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - چندیل همیشه در حزم هستی همایهت کردی - تا آنکه گمان کردم که همسایه را وارث

من خواهد کرد - و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - آنچه ایمان داشته باشد به خدا و روز قیامت پس باید که همسایه خویش را بزرگ دارد و فرمود صلی الله علیه و سلم - بدنه صاحب ایمان نه می شود - تا آنچه همسایه خویش را از بلاها نگاه دارد - و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - چون سگ همسایه را بزدی پس همسایه را بيازردی - و هشام گفت که حسن درین مضایقه نمی انگاشت که همسایه یهودی یا نصرانی را از گوشت قربانی خودش بخورانی *

حقوق الاقارب والرحم

فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - الله تعالی میگوید که من رحمن هستم - و از نام خویش برای رحم نامی پیشتر کرده ام - پس آنچه باو پیوند داشت باو پیوند دارم - و آنچه او را برود ازو برودم و با رسول خدا صلی الله علیه و سلم گفته شد که کدام کس افضل تر است - فرمود - پرهیز گار ترین ایشان برای خدا - و پیوند دارنده تر برحم - و ابو ذر گفته که مرا محبوب من علیه السلام وصفت فرمود به صلته رحم اگرچه او رو گردان شده باشد و امر فرمود مرا باینکه حق گویم اگرچه تلخ باشد •
و اسماء دختر ابو بکر رضی الله عنه گفته که مادر من یهش من آمد - پس گفتم ای رسول خدا صلی الله علیه و سلم - مادر من آمده است و او هنوز مشوک است آیا نهی کنم باو - فرمود آری - و در روایت دیگر است که آیا عطا کنم او را - فرمود آری - نهی کن با او - و فرمود علیه السلام - صدقه کردن بر مسکینان یک صدقه است و بر قرابت دار دو صدقه است •

حقوق الوالد و الولد

فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم با پدر و مادر نهی کردن افضل تر است از نماز - و صدقه - و روزه - و حج و عمره و جهاد در راه خدا *

و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - آنچه صحیح کرد بحاله که پدر و مادر را خوشنود دارندند است دو دروازه جنت بر او کشاده شوند و هر آنچه

همچنین شام کرد پس همچنین وقت شام دو دروازه و اشوند - و اگر از والدین یک موجود باشد پس یک درواز اگر چه والدین برو ظلم کرده باشند - اگر چه ظالم کرده باشند - اگر چه ظلم کرده باشند - و آنکه صبح کرد بکالیبه والدین را ناراض کننده است کشاده شود برو دو دروازه از دوزخ - و اگر هم چنین شام کرد - پس هم چلهون بوقت شام دو دروازه از دوزخ برو کشایند - و اگر از والدین یکی موجود باشد پس یک دروازه اگر چه والدین برو ظالم کرده باشند - اگر چه ظالم کرده باشند اگر چه ظالم کرده باشند و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم بروه جنت در هفتاد ماهش از مسافت پنج صد ساله راه و نکو اهد دریافت بوه او آنکه از والدین یا دو رحم خویش قطع نعلق کرده است *

گفته اند که چون یعقوب علیه السلام بر یوسف علیه السلام داخل شدند به تعظیم او بر نکست پس وحی فرستاد خدا بسوے یوسف علیه السلام - آیا کسر شان می پنداری ازین که برای پدر خویش بر خهزی قسم می خورم بعزت و جلال خویش که از پشت تو هیچ نمی بر نیارم *

و مالک ابن ربیع گفته که ما در خدمت رسول خدا حاضر بودیم که درین اتفاق مردی از قبیلہ بنی سلمه پیش آن حضرت رهد و عرض داشت که آیا چیزی از نهمی کردن با پدر و مادر بانی مانده است که من بعد مرگ بایشان کنم - فرمود - رحمت خواستن بر ایشان و استغفار گفتن بر او - و وفا نمودن عهد شان - و بزرگ داشتن دوستان ایشان را - و صلہ رحم بآن کس که جز بایشان بصله رحم نرسد *

و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - از عمده ترین نوهها کردن آنست که نهمی کند مرد با دوستان پدر خویش بعد آنکه پدر نباشد *

و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - مادر را بر پسر دو تا حق است *

و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - دعای مادر زود تر قبول می شود - گفتند اے رسول خدا - این را سبب چهست - فرمود - مادر تعالی رسم نریب تر است از پدر و دعای رحم بے اثر نرود - و از آن جناب کس پرسی و گفت که اے رسول خدا - باک نهمی کنم - فرمود با

والدین خویش - گفت والدین ندارم - فرمود - با پسر نیک کن که چنانکه پدر را بر تو حق است - پسر را هم حق است بر تو و فرمود رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم - از جمله حقوق پسر بر پدر آنست که تربیت او نیکو کند و نام او پسندیده نهد *

اقرع ابن جالس دید که رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم - فرزند خویش حسن را بوسه همی دهد پس اقرع گفت که مرا ده فرزندان هستند - هیچ یک را از ایشان بوسه نداده ام - فرمود علیہ السلام آنکه رحم نهمکن - رحم نمے کرده شود *

ابو سعید خدری گفت - مردے از یمن در خدمت رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم هجرت کرد و به جہاد رفتن خواست - رسول خدا علیہ السلام فرمود - آیا در یمن پدر و مادر تو هستند - گفت آری - فرمود که آیا ترا اذن داده اند - گفت نه - فرمود علیہ السلام - پس باز گرد سوے پدر و مادر خویش - و ازیشان اجازت بطلب - پس اگر اجازت دهند به جہاد رو - ورنه خدمت ایشان کن چندان که می توانی - که این کار پس از توحید بهترین عمل هاست - که باو با خداے خویش پیوندي *

مردے دیگر پھش آن جناب آمد که در باب جہاد بیان جناب مشورت کند - فرمود - آیا ترا مادری هست گفت آری - فرمود - پس خدمت او لازم گھر که چغف زیر قدم اوست - و مردے دیگر بخدمت آن جناب آمد و گفت - نیامدم پھش تو تا آن کہ بگریه آوردم پدر و مادر خود را - فرمود نماز گرد سوئے ایشان و ایشان را بخنده آور چنانکه بگریه آورده - و فرمود صلی اللہ علیہ وسلم برادر کلان را بر برادران خورد همان حق است که پدر را بر پسر خویش *

المعاشرة مع اصناف الخلق

درین باب ذکر میکنم از آداب معاشرت و همنشینی با مردمان هر گروه که انتخاب کرده ام از کلام بعض حکماء — اگر حسن معاشرت خواهی — پس با دوست و دشمن خنده رو باش — بغیر آنکه ایشان را تحقیر کنی یا از ایشان در دل هیبت آری — باتوقیر باش بغیر از غرور — و تواضع کن بغیر از ذلت — و در جمیع کارهای خویش میانه رو باش که هر دو طرف وسط امور مذموم است — به شانهای خود بیننده مباش — و به هر سو نکه مینداز — و بر امیوه مردمان ایستاده مشو — و اگر در آن جماعت به نشینی پس بز پایه مفشیں — باید که از انکشت ها باشم پیچیدن — و با ریش و انگشتری خود بازی کردن و دندان را خلال نمودن — و انکشت در بینی کردن و به سیارے بزاق افکندن — و آب از بینی افشاندن — و کس از روئے خود رازدن — و خمیازه کشیدن — و بفاره روئے کشادن — پوش مردمان و در نماز پرهیز کنی — و باید که مجلس تو بسکون باشد و گفتگوے تو مسلسل و پیوسته — و گوش دار بسوئ الام پسندیده که کسی با تو گوید بغیر اینکه تعجب بسوئ ظاهر کنی و باز گفتن آن سخن ازو مطالب از افسانها و اراں سخنها که خنده آید حامرش باش — و از فرزند و کنیز و اشعار و تصنیف خویش و از جمله آن چیزها که بتو خاص باشند — سخن باعجاب مگوئی — و خویشان را چون زنان مهارے — و چون غلامان خوار مباش — و به سرمه کشیدن و به شورت روغن مالیدن بسوار مثل جاش — و در طلب حاجتها التجاج مکن — و کسی را بر ظام یاورزی مکن و کسی را از زن و فرزندان خویش نا بدیکه ای چه رسد بزبوان خود مطلع مکن — که اگر اندک خواهد بود در نظر ایشان سبک خواهی شد — و اگر زیاده است هرگز با رضای ایشان نخره ای رسد — و ایشان را خوف ده بغیر اینکه قهر کنی — و با ایشان نرمی کن بغیر آنکه ضعیف باشی — و چون با کسی در بحث آئی — باوقار باش — و خود را از جهل نکاه دار — و از تعجیل به پرهیز — و در دلیل خود خوض نمائی — و از دو دست خویش بسوار اشاره مکن — و بسوار

میبوی بسوزد آنکه غضب قسمت — و بر زانو منشیون — و سخن گو چون
 غصه تو فرو نشیند — و ازان درست که یار نعمت باشد بسهار به پرهیز —
 که او دشمن توین دشمنان است — و مال را از آبرو عزیز تر مدار — و
 چون در مجلس در آئی پس ادب این است که ابتدا به سلام کنی و آنکه
 پوش نشسته است از سر او نه گذری — و هر کجا که جای یابی
 به تواضع نزدیک تر باشد به نشیمنی — و آنکه نزدیک تو نشسته است
 برو سلام گوئی — و بر راه منشیون و اگر به نشیمنی پس ادب او نگاه زیرین
 کردن است — و ستم زده را بفریاد رسودن و ضعیف را یآوری نمودن — و
 گم شده را راه نمائی کردن و جواب سلام دادن و سائل را عطا نمودن — و
 حکم کردن به نیکی — و باز داشتن از نابایست — و علاحده کردن جای
 بزاق — و روئے قبله بزاق مهفداز — و نه از جانب راست — البته باید که
 از جانب چپ و زیر قدم چپ مهفدازی — و با عامهان منشیون و اگر
 نشستی پس ادب او این است که در سخن های شان فرو نروی —
 و به ترهات ایشان گوش نه نهی — و ازان ناملائم حرفها
 که از ایشان سرزند تغافل کنی — و باوجود احتیاج افتادن سری ایشان
 به ایشان کم آمیزی — و زینهار که باعائلی یا بانادانی سخن بظرافت
 گوئی — زیرا که عاقل هر تو حسد خواهد برد و نادان شرح و خوره خواهد
 شد — چه ظرافت هویت را یاره یاره میکند و آبرو می ربزد — و حسد
 پیدا میکند — و حلوت دوستی می برد و دانشمندی دانشمند را عیب
 می نهد — و جامل را جرأت می دهد — و بنظر عقلا از پایه می اندازد —
 و ظرافت را پرهیزکاران مکرره دارند — و او دل را مرده میکند و از خدا
 تعالی دور می اندازد — و غفلت پیدا می آرد — و خوار می میشود
 و از بر رازهاستم می رود — و دلها مرده می شوند و عهوب کثرت می یابند
 و گناهها عیان میگردند — و گفته اند که مزاج نمی آید مگر از سبکی عقل
 یا به بیهودگی — و آنکه در مجلس مزاج یا هرزه مبتلا شود — پس چون
 هر خیزد و در وقت برخاستن ذکر خدا کند — فرمود نبی صلی الله علیه وسلم

آنکه در مجلس نشست و بسهار فضول گفت اگر پیش از برخاستن این
 دعا خواند سبحانک اللهم بحمدک اشهد ان لا اله الا انت استغفرک واتوب
 الیک (یعنی به پاکیزگی یاد میکنم تو را ای خدا - و ثنا میگویم - و گواهی
 میدهم که نیست - هیجود مگر تو - استغفار میکنم و رجوع می آورم بتو)
 هرچه از درین مجلس صادر گشته آمرزیده خواهد شد -



غ- ک ج

اجری درج شد ہ تاریخ ۱۹۶۰ء میں یہ کتاب مستعار
کے لئے مقررہ مدت کے زائد ہر کہنے کی
صورت میں ایک آنہ یومیہ جرمانہ لیا جائے گا۔
